



چهره تازه دموکرات‌ها از ایالت تگزاس می‌آید

«اوبامای سفید» درواه کاخ سفید

گروه جهان: عملکرد منفی جمهوری خواهان و دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، در حدود دو سال اخیر نه تنها اکثریت مجلس نمایندگان را از کنترل این حزب خارج کرد و در اختیار دموکرات‌ها قرار داد، بلکه امید دموکرات‌ها برای انتخابات...

صفحه ۷

سال شانزدهم • شماره ۳۲۹۷ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان



بررسی میزان سودپتروشیمی‌ها با آزادسازی نرخ ارز

پشت صحنه سیاست جدید ارزی

گروه اقتصاد: دو روز قبل، عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در اینستاگرام خود خبر داده بود قرار است «بازار معاملات آزاد نقدی و حواله ارزی» در آینده نزدیک راه‌اندازی شود؛ بازاری مبتنی بر سازوکار حراج و با هدف کشف قیمت ارز...

صفحه ۴



چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۷ • ۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ • ۲۱ نوامبر ۲۰۱۸

سرمقاله

آنچه دولت باید پیشه کند

کمال اظهاری . پژوهشگر اقتصاد توسعه



دانش، ثروتی است که خلاف نفت و دلار نفتی، با جنگ به دست نمی‌آید. دانش در نیروی انسانی نوآور بارور می‌شود و این نیرو، خلاف دوران برده‌داری، با جنگ به دست نمی‌آید. این را همه کشورهای سرمایه‌داری به‌خوبی می‌دانند. جنگی که جناح‌های کنونی حاکم در ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران در منطقه به راه انداخته‌اند، نه به‌طور مستقیم برای نفت، بلکه برای کاشاندن ایران به مسابقه تسلیحاتی و واردشدن ایران به اقتصاد دانش‌پایه است. واردشدن ایران به اقتصاد دانش‌پایه، هدف جناح‌های کنونی حاکم در ایالات متحده و اسرائیل است، زیرا هر کشوری که وارد اقتصاد دانش‌پایه شود ناگهان جهش می‌کند و رشدی تصاعدی پیدا خواهد کرد که این مسئله، آرایش قدرت در منطقه و جهان را به هم می‌زند، اما کشوری توسعه‌یابنده که به‌جای ورود به اقتصاد دانش‌پایه، وارد مسابقه تسلیحاتی شود و منابع اندکش را صرف آن کند، عاقبت خوشی نخواهد داشت، هرچند به فرض محال ابرقدرتی مانند اتحاد جماهیر شوروی شود. جناحی در ایران گمان می‌کند دانش واقعی «قدیم» است و آنها تنها کسانی هستند که این دانش را دارند، با دانش‌پایگی اقتصادی ایران مخالف‌اند؛ به‌ویژه که تحول اقتصادی ساختار طبقاتی را درگروگن می‌کند و آنها فقط با ساختار کنونی یعنی اقتصاد وابسته به نفت، به شرط آنکه سرشیرش را در دست داشته باشند، می‌توانند در مدیریت بمانند؛ در نتیجه پیوسته تکرار می‌کنند که جناح‌های مختلف سرمایه‌داری و اروپا و آمریکا هیچ فرقی با هم ندارند، با FATF مخالفت می‌کنند و با دلوایسی کاسه داغ‌تر از آتش می‌شوند. به عبارت دیگر دانش نو خوب است، اما نه برای پیشرفت و رفاه مردم، بلکه به‌مثابه ابزار قدرت آنها، همه چشم امید جناح‌های کنونی حاکم در ایالات متحده و اسرائیل نیز به همین جناح است. اقتصاد دانش‌پایه، اقتصادی است که در آن دانش، پیشران توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است. در این باره کافی است بگویم تا سال ۲۰۲۵ فناوری‌های نوین در حال انکشاف، بالغ بر ۳۳ تریلیون دلار بر حجم تجارت جهانی خواهند افزود، درحالی‌که تجارت جهانی در حال حاضر همین مقدار است. در نتیجه اگر اقتصاد جامعه‌ای دانش‌پایه نشود، خطر محو تمدنی آن وجود دارد، اما اقتصاد دانش‌پایه چگونه تحقق می‌یابد؟ تاکنون در جهان سه راهبرد اصلی وجود داشته است:

• راهبرد نولیبرال (Neoliberalist) که در آن انتظار می‌رود نوآوری خودبه‌خود از رقابت فردی فعالیت‌آفرینان و اشاعه فرهنگ رقابتی نولیبرال به وجود بیاید، نقش دولت نیز تسهیل نوآوری با سیاست‌های آزادسازی، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی است. به‌ویژه بازار آزاد کار، پیش‌نیاز نوآوری تلقی می‌شود. حاکمیت این راهبرد در اساس در ایالات متحده آمریکا بوده دلیل اصلی بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۷ و تداوم آن تاکنون در این کشور و کاشاندنش به عرصه سیاست، ازهم‌گسیختگی ترامپی دانسته می‌شود، اما به‌طور شگفت‌آوری جناح راست به اصطلاح مدرن ایران شیفته آن است.

• راهبرد نومه‌گرا (Neocorporatist) از طریق اجماع اجتماعی بین کنشگران اقتصادی، به‌صورت مستقیم‌تری به ساماندنی نوآوری و سیاست بازار کار می‌پردازد. دولت برای نوآوری می‌کوشد به‌جای تنها رقابت، بین رقابت و همکاری در میان کنشگران اقتصادی موازنه برقرار کند. این راهبرد در پی تحقق انتظام‌بخشی به تمرکززدایی و گسترش نقش مشارکت خصوصی - عمومی برای تسهیل نوآوری است. این نسخه اروپای غربی برای ورود به اقتصاد دانش بوده و هست.

ادامه در صفحه ۴

وزارت خارجه ارسال نامه ازسوی قوهقضائیه را مجددا تکذیب کرد

تکذیب ضرب‌الاجل برای ظریف

مخالفان ظریف دنبال استیضاح او هستند

صفحه ۱۵



حمله محسن رضایی به دولت
به بهانه انتقاد مجلسیان از مجمع

بمباران تبلیغاتی راه انداخته‌اند

صفحه ۶

یادداشت

کدام مبارزه با فساد؟

داشتنه باشند. باید افکار عمومی جامعه تا حدی تشنه مبارزه با فساد تا مرحله ریشه‌کنی باشد که آن را در صدر مطالبات خود از دولتمردان مطرح کند. در سایه این حضور و مشارکت مردمی، احزاب و فعالان سیاسی در هر مرحله از مراجعه به آرای مردم ناگزیر از ارائه برنامه خود برای مبارزه با فساد و نیز ارائه گزارش از عملکرد خود در این میدان مبارزه خواهند بود. درحالی‌که اینک چنین الزامی برای نامزدهای انتخاباتی وجود ندارد و آنان بدون اینکه حتی یک جمله درباره ضرورت مبارزه با فساد یا برنامه‌های خود برای مقابله با آن بر زبان بیاورند، می‌توانند به‌عنوان پیروز انتخابات معرفی شوند و البته این به معنی حضورنداشتن مردم در این مبارزه ملی و تاریخی است.

۵. رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد جایگاه و نقش ویژه‌ای در این مبارزه دارند. انتخاب خاتم دافنه کاروانا گالیزیا، روزنامه‌نگار اهل مالت که فساد سیاست‌مداران این کشور را افشا کرده و جان خود را بر سر این افشاکاری از دست داد، به‌عنوان برنده جایزه در هجدهمین کنفرانس بین‌المللی مبارزه با فساد که به‌تازگی در کپنهاگ برگزار شد، عزم جامعه جهانی را برای حمایت از روزنامه‌نگاران فعال در عرصه مبارزه با فساد نشان می‌دهد. قوانین و رویه‌های اجرایی باید به‌گونه‌ای اصلاح و بازنگری شوند که امنیت کامل برای اصحاب رسانه که وارد این مبارزه مقدس می‌شوند، فراهم شود و در مقابل حاشیه امنی برای مخالفان و مفسدان ایجاد نشود.

۶- در اولین قدم‌های این مبارزه بزرگ باید با خطاها و لغزش‌های کوچک و بزرگ مسئولان و صاحب‌منصبان هم در بدنه دولت و هم سایر نهادهای رسمی برخورد شود. همان‌گونه که به‌اصطلاح با دستمال کثیف نمی‌توان پنجره‌های منزل را تمیز و شفاف کرد، با سازمانی آلوده و گرفتار فساد هم نمی‌توان مدعی مبارزه با فساد شد. افکار عمومی نمی‌پذیرد که مثلاً در یک پرونده رانت‌خواری، فرد خاطی دستگیر و محاکمه و جریمه شود، اما خبری درباره نحوه برخورد با مدیرانی که در سایه قصور یا تقصیر آنان چنین فسادی شکل گرفته است، منتشر نشود.

۷. هیچ برنامه‌ای برای مقابله با فساد نمی‌تواند بدون نگاه به گذشته آغاز شده و گرفتار آفاقی نشود؛ زیرا شهروندان بلافاصله از خود خواهند پرسید مدیران فعلی چه سودی از «بایگانی‌کردن» پرونده‌های ویژه‌خواری گذشته می‌برند و طبعاً در صداقت آنان تردید خواهند کرد، از این‌رو در بررسی موارد فساد و آغاز مبارزه با این آفت هولناک، نباید با این توجیه به‌ظاهر زیبا که «به‌جای واکاوی بی‌حاصل گذشته باید به آینده پرداخت»، عملکرد گذشته را به فراموشی سپرد. متأسفانه در جامعه ما این نگاه غلط بسیار رایج و متداول است و حتی گاه بیان چنین نظراتی بر احترام گوینده آن می‌افزاید که مثلاً به جای کینه‌توزی و برخورد سیاسی به فکر حل ریشه‌ای معضلات است. غافل از اینکه کمترین زیان برداختن به گذشته، تعمیق این باور در ذهن متخلفان بالقوه است که می‌شود خلاف کرد و مصون ماند. به باور نگارنده، توجه به این موارد در تدوین برنامه مبارزه ملی با فساد شانس رسیدن به پیروزی را به نحو چشمگیری افزایش خواهد داد.

فساد نمی‌تواند با برخورد‌های احساسی و هیجانی و حداکثر در سطح چند نطق پیش از دستور پیشرفت کند، بلکه باید با رجوع به اهل فن و کارشناسان خبره به تدوین راهکارهای علمی و خردمندانه اقدام کرد.

۲. مبارزه با فساد نباید از رقابت سیاسی احزاب اثر بپذیرد. سیاسی‌شدن این مبارزه بزرگ‌ترین آفتی است که آن را تهدید می‌کند، زیرا ممکن است از بخشی از فعالیت‌های مفسدانه به دلیل «هم‌جناحی بودن» اغماض شود. از این‌رو شکل‌گیری دو فراکسیون در مجلس با هدف مشابه مبارزه با فساد که وجه تمایزشان فقط گرایش سیاسی نمایندگان باشد، به‌هیچ‌روی علامت خوبی نیست و نشان می‌دهد که هنوز اهمیت این مبارزه ملی به‌خوبی درک نشده است.

بسیاری از دولتمردان و پژوهشگران در کشورهای مختلف این حقیقت را باور کرده‌اند که فساد یکی از مهم‌ترین موانع رشد و شکوفایی جوامع است، از این‌رو شاهد تلاش گسترده‌ای برای مبارزه با فساد و کاهش شدت بیماری جوامع هستیم، تلاشی که بی‌تردید در قالب یک مسابقه جهانی می‌توان آن را بررسی کرد. برندگان چنین مسابقه‌ای جایزه‌ای مانند جلب نظر شرکای بالفعل و بالقوه و نیز موفقیت در میدان جذب سرمایه به دست خواهند آورد.

در ایران نیز مبارزه با فساد و تلاش برای کسب رتبه بالاتر در این عرصه بعد از چندین سال افت‌وخیز و حتی انکار، مورد توجه مسئولان و نهادهای مردمی قرار گرفته است که این موضوع باید به فال نیک گرفته شود، با این حال در همین ابتدای مسیر دشوار مبارزه با فساد لازم است متولیان امر با تدوین برنامه‌ای جامع و حسابگرانه موفقیت در این مبارزه نفس‌گیر را تضمین کنند. در زیر به چند نکته ابتدایی در باب برنامه یادشده با عنوان «بایدها و نبایدها» پرداخته‌ام:

۱. فساد در سطح جهانی در چند دهه اخیر پیچیدگی‌های حیرت‌انگیزی پیدا کرده است؛ از بدیع‌ترین شیوه‌های پول‌شویی تا بازی چندیله در رده‌های تصمیم‌سازی و نفوذ در سطوح تصمیم‌گیری، از این‌رو مبارزه با فساد بیش از هر ویژگی دیگر، باید از ویژگی «عالمانه‌بودن» برخوردار باشد. مبارزه با



ناصر ذاکری
پژوهشگر اقتصادی

در ضرورت آزادسازی اقتصادی

حسین حقگو . کارشناس اقتصادی



حادث شدن مشکلات تعدادی از بنگاه‌های صنعتی، این موضوع را این روزها به سرخط خبر رسانه‌ها تبدیل کرده است و درباره علل بروز این وضعیت نامطلوب گمانه‌زنی‌های مختلفی می‌شود. از مقصد قلمدادکردن مدیر یا صاحب بنگاه بحران‌زده تا حمله به سیاست کاهش تصدی‌گری دولت و حتی توصیه به بازگشت به عقب و دولتی‌سازی بنگاه‌های واگذارشده و... در اینکه عنصر مدیریت، عاملی بس مهم در کارآمدی بنگاه اقتصادی است و از سوی دیگر نحوه واگذاری‌ها و سپردن امور یک بنگاه اقتصادی به اهلیش نیز امری بسیار حیاتی در فرایند خصوصی‌سازی است، شکی نیست؛ اما اگر پا را از محدوده واحدهای اقتصادی و صنعتی بحران‌زده فراتر نهمیم و کلیت نظام بنگاه‌داری صنعتی کشور را بررسی کنیم، آن‌گاه می‌توانیم مشکل را عمیق‌تر از این دست از عوامل و در ضعف شدید فضای آزاد و رقابتی (رتبه ۱۳۰ در بین ۱۶۲ کشور جهان در آزادی اقتصادی - ۹۷/۷/۱۰) و وجود دخالت‌های اختلال‌زای دولت تحلیل کنیم که امر تولید این هم عالی‌ترین شکل آن یعنی تولید صنعتی را غیرسودآور و وابسته به انواع حمایت‌ها کرده است؛ برخلاف همگان‌شان در جهان پیشرفته که این بنگاه‌های صنعتی‌اند که دولت و نظام اقتصادی وابسته به آنهاست.

ادامه در صفحه ۶

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه ۱۵

رجوع به صفحه ۳

رجوع به صفحه ۵

سازمان آگهی‌ها

۸۸۱۹۲۸۷۷ - ۸۸۷۹۲۴۳۴

بیست و بیست و یکمین
هفته‌بیست و یکمین
روابط عمومی بیست

بیست و بیست و یکمین
هفته‌بیست و یکمین
روابط عمومی بیست

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE

@SHARGHDAILY.IR

پیام کوتاه

۳۰۰۰۴۶۹۹

الو شرق

۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir